

سرمقاله

اسراف بس!



سیدمصطفی هاشمی طبا

شاید به نظر برسد طرح برخی مسائل که ظاهرا بی‌اهمیت جلوه می‌کند، در مقطع کنونی که مسائل بزرگ و تهدیدکننده برای کشور وجود دارد، زائد و بی‌موقع باشد، اما باید به یاد داشته باشیم که انحراف از اصول در همه لحظه‌ها می‌تواند خطرآفرین باشد و چه‌بسا با اطمینان می‌توان گفت حاصل نابسامانی موجود همین انحرافات و بی‌توجهی‌ها به اصول بديهی است. از مهم‌ترین اصولی که نادیده گرفته شده و به دلیل همین بی‌اعتنایی و بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن آن بلاهای غیرقابل انکاری به کشور ما وارد شده، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به امر اسراف است و علی‌رغم آنکه به دین‌داری تظاهر می‌کنیم، به این مهم که هم عقلی و هم دینی است، بی‌اعتنایی می‌کنیم. علاوه بر آنکه اسراف عملی خلاف عقل است، در قرآن مجید راجع به اسراف و اسراف‌کنندگان ۲۳ بار مطلب آمده و آن را نکوهیده است. به‌طور مثال در سوره آل‌عمران آیه ۱۴۷ به زبان بندگان خطاب به خداوند آمده است: خداوند، به خاطر گناهان و اسراف‌کاری‌ها ما را ببخشای. جالب آن است که همه گناهان را با هم ذکر کرده و اسراف را به‌عنوان امر واحد در کنار همه گناهان قرار داده، یعنی جایگاه ویژه‌ای در میان گناهان برای آن قائل شده است. البته اسراف همان‌طور که از آیات قرآن استنباط می‌شود، شامل همه امور می‌شود؛ حتی در اتفاق که از پسندیده‌ترین امور مورد راهنمایی از سوی قرآن کریم است، از اسراف در آن منع شده است. با کمال تأسف در کشور ما اسراف به امری عادی و شاید در برخی موارد به امری مستحسن تبدیل شده است. سؤال اینجاست که آیا بودجه کل کشور سال ۱۴۰۵ و البته سال فعلی و سال‌های پیش براساس اسراف نهادها نوشته نشده و سفارش و تهدید و فرصت‌طلبی و باج‌دهی در نگارش آن راه نداشته است؟ آیا پیام این بودجه و فشاری که مجلس روی آن گذاشته، حسب تعادل با شرایط سخت تحریم‌ها و خودتحریمی‌ها، اجتناب از اسراف در همه امور است یا باز هم بسیاری از نهادها به‌اصطلاح مبسوط‌الید در مخارج هستند؟ دولت محترم هم به جای آنکه در امور مختلف راه سدشدن اسراف را برگزیند، تنها به راهنمایی که گاه جاه‌نمایی است (مانند توصیه به خرید مخزن و پمپ برای خانه‌ها بدون محدودیت قائل‌شدن) بسنده می‌کند. نگارنده در هفته جاری در دو

مرکز عمومی با مسائلی که ذکر خواهد شد، روبه‌رو شدم. اول به دلیلی به مرکز ایران‌مال در غرب تهران رفتم. آن‌قدر فضای به آن بزرگی و با آن ارتفاع گرم بود (قابل توجه آنکه حرارت معمولا به بالا می‌رود یعنی اگر در کف حرارت ۲۰ درجه باشد، در ارتفاع هشت‌متری حتما ۲۸ درجه خواهد بود) و در کف و در محلی که مردم تردد می‌کردند، بی‌تردید حرارت ۲۸ درجه سانتی‌گراد بود و معلوم بود در حالی که نقاط سردسیر کشور سرمای منفی ۲۰ درجه را می‌گذرانند و گاز کارخانجات قطع می‌شود، در مصرف گاز آن‌قدر اسراف می‌کنند که مردم از گرما لباس روی خود را درمی‌آورند. دوم روز تولد مولای متقیان علی (ع) برای زیارت به حضرت عبدالعظیم حسنی و حضرت حمزه بن موسی(ع) رفته بودم. نشانگر نصب‌شده در آن محل درجه حرارت ۲۶ و ۲۷ درجه را نشان می‌داد و خدشانی که با آنان صحبت و کردم و تذکر دادم که مردم با لباس کامل در اینجا هستند و بعضا کپاشی یا پالتوی خود را درآورده‌اند، نیاز به این گرما ندارند و دولت هم درجه سانتی‌گراد ۲۰ را برای خانه‌ها توصیه کرده و پرسش کردم چرا اسراف می‌کنید، متأسفانه برخی از آنان تاراحت می‌شدند و می‌گفتند پس بگویید در امامزاده را هم ببینند. چگونه این امکان بزرگ عمومی مورد رصد قرار نمی‌گیرند؟ در همین تاترازی برق چه لزومی دارد که برخی امکان با روشنایی ۶۰۰ تا هزار لوکس محل خود را برق ببندازند؟ حال اگر دقت کنیم علاوه بر اسراف اقتصادی، در سخن، در رفتار، در تبلیغ، در روابط فی مابین و در روابط خارجی همین‌گونه اسراف‌ها وجود دارد و باعث فساد و نابسامانی می‌شود. حتی اغراق در دوست‌داشتن مولا علی(ع) و اهل‌بیت به‌شدت از سوی خود امام علی و امام صادق منع شده است و شیعه غالی یعنی اغراق در محبت و مدح علی(ع) مذموم دانسته شده‌اند. این اغراق یعنی اسراف در حب علی(ع) به نوعی کفر دانسته شده است. امت وسطی که در قرآن ذکر شده، از اسراف و اغراق در همه زمینه‌ها خودداری می‌کند و وظیفه دولت است که با وضع مقررات ضمن آنکه مصرف‌کنندگان

در همه زمینه‌ها را تشویق کند، به صورت بسیار جدی با اسراف‌کنندگان برخورد کند. مثالی هم بی‌ربطه نیست که ذکر شود.

‏ پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴
‏ ۱۸ رجب ۱۴۴۷
‏ ۸ ژانویه ۲۰۲۶
‏ سال بیست‌ودوم
‏ شماره ۵۳۰۰
‏ ۳۰ هزار تومان
‏ ۱۲ صفحه

روزنامه

دستور پزشکیان برای جلوگیری از برخورد امنیتی با معترضان

طنز تلخ رامین و ساینتو: دوباره دست در دست هم

دولت در جریان مطالبات هست؟/ پویا نعمت‌اللهی

در «شرق» امروز می‌خوانید:

استهلاک مزمن در سیاست و افول سرمایه اجتماعی را واکاوی می‌کند

فرسایش در امیدواری

علی دایی در گفت‌وگو با «شرق» پاسخ نماینده مجلس را داد

نماینده باید از سفره مردم

دفاع کند، نه حاشیه‌سازی

تخم‌مرغ و لبنیات برای مردم با این حقوق‌هایی که می‌گیرند غذای لوکس شده

برند من حاصل ۴۰ سال تلاش است نه رانت

یادداشت

داستان‌های پیچیده بازار تهران

بازار تهران قلب تپنده شهرمان و قدیمی‌ترین محله تهران است.

زمانی که در عهد شاه‌هماسب و سپس آقامحمدخان حصار اول را دور تهران، روستایی کنار جاده کاروان‌روی راه ابریشم کشیدند، تا امروزی که تهران کلان‌شهری ۱۴ میلیونی با یک چهارم جمعیت کشور در منطقه شهری تحت نفوذش، اینجا نشسته است، بازار تهران همیشه محل قدرت و تجارت پایتخت کشورمان بوده است. بازار تهران تنها دکان، سرا و مغازه نیست؛ کانون تصمیم‌گیری اقتصادی نیز هست و دایره نفوذش تنها به آن بلوک شهری بین ۱۵ خرداد تا شوش، خیام تا مصطفی خمینی محدود نمی‌شود. صدها مغازه در خارج از بازار به آن وصل هستند و کارگاه‌ها و انبارهایش، نه‌فقط تمام محلات تاریخی اطراف، بلکه زیر زمین خود بازار را خورده‌اند. یک زیرپله بازار میلیاردها می‌ارزد و از خانه‌های قدیمی و زیبای آن مانند خانه امین‌لشگر و خانه حاج حسین آقای ملک هم به‌زودی دیگر اثری برجای نخواهد ماند. از سوی دیگر همین بازار نمادین شهرمان ثبت میراث ملی ماست و حیف‌مان می‌آید به‌خاطر کسانی که به ارزش‌های میراثی شهر اهمیت نمی‌دهند، این‌طور سریع بعد از ۲۵۰ سال زندگی باشکوه و پرخاطره، به دلیل ندانم‌کاری و سودجویی عده‌ای قلیل و ناگاه، از بین برداشته و نابود شود.

چندی پیش رسانه‌ها پای غوغای کشف تونل‌های کیلومتری غیرمجاز در زیرزمین بازار تهران را به میان کشیدند. البته قبل از رفتن دادستان به آن

بازار تهران قلب تپنده شهرمان و قدیمی‌ترین محله تهران است. از زمانی که در عهد شاه‌هماسب و سپس آقامحمدخان حصار اول را دور تهران، روستایی کنار جاده کاروان‌روی راه ابریشم کشیدند، تا امروزی که تهران کلان‌شهری ۱۴ میلیونی با یک چهارم جمعیت کشور در منطقه شهری تحت نفوذش، اینجا نشسته است، بازار تهران همیشه محل قدرت و تجارت پایتخت کشورمان بوده است. بازار تهران تنها دکان، سرا و مغازه نیست؛ کانون تصمیم‌گیری اقتصادی نیز هست و دایره نفوذش تنها به آن بلوک شهری بین ۱۵ خرداد تا شوش، خیام تا مصطفی خمینی محدود نمی‌شود. صدها مغازه در خارج از بازار به آن وصل هستند و کارگاه‌ها و انبارهایش، نه‌فقط تمام محلات تاریخی اطراف، بلکه زیر زمین خود بازار را خورده‌اند. یک زیرپله بازار میلیاردها می‌ارزد و از خانه‌های قدیمی و زیبای آن مانند خانه امین‌لشگر و خانه حاج حسین آقای ملک هم به‌زودی دیگر اثری برجای نخواهد ماند. از سوی دیگر همین بازار نمادین شهرمان ثبت میراث ملی ماست و حیف‌مان می‌آید به‌خاطر کسانی که به ارزش‌های میراثی شهر اهمیت نمی‌دهند، این‌طور سریع بعد از ۲۵۰ سال زندگی باشکوه و پرخاطره، به دلیل ندانم‌کاری و سودجویی عده‌ای قلیل و ناگاه، از بین برداشته و نابود شود.

چندی پیش رسانه‌ها پای غوغای کشف تونل‌های کیلومتری غیرمجاز در زیرزمین بازار تهران را به میان کشیدند. البته قبل از رفتن دادستان به آن

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است. این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست. همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است. در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

داستان‌های پیچیده بازار تهران

بازار تهران قلب تپنده شهرمان و قدیمی‌ترین محله تهران است.

زمانی که در عهد شاه‌هماسب و سپس آقامحمدخان حصار اول را دور تهران، روستایی کنار جاده کاروان‌روی راه ابریشم کشیدند، تا امروزی که تهران کلان‌شهری ۱۴ میلیونی با یک چهارم جمعیت کشور در منطقه شهری تحت نفوذش، اینجا نشسته است، بازار تهران همیشه محل قدرت و تجارت پایتخت کشورمان بوده است.

کانون تصمیم‌گیری اقتصادی نیز هست و دایره نفوذش تنها به آن بلوک شهری بین ۱۵ خرداد تا شوش، خیام تا مصطفی خمینی محدود نمی‌شود.

صدها مغازه در خارج از بازار به آن وصل هستند و کارگاه‌ها و انبارهایش، نه‌فقط تمام محلات تاریخی اطراف، بلکه زیر زمین خود بازار را خورده‌اند.

یک زیرپله بازار میلیاردها می‌ارزد و از خانه‌های قدیمی و زیبای آن مانند خانه امین‌لشگر و خانه حاج حسین آقای ملک هم به‌زودی دیگر اثری برجای نخواهد ماند.

از سوی دیگر همین بازار نمادین شهرمان ثبت میراث ملی ماست و حیف‌مان می‌آید به‌خاطر کسانی که به ارزش‌های میراثی شهر اهمیت نمی‌دهند، این‌طور سریع بعد از ۲۵۰ سال زندگی باشکوه و پرخاطره، به دلیل ندانم‌کاری و سودجویی عده‌ای قلیل و ناگاه، از بین برداشته و نابود شود.

چندی پیش رسانه‌ها پای غوغای کشف تونل‌های کیلومتری غیرمجاز در زیرزمین بازار تهران را به میان کشیدند.

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

داستان‌های پیچیده بازار تهران

بازار تهران قلب تپنده شهرمان و قدیمی‌ترین محله تهران است.

زمانی که در عهد شاه‌هماسب و سپس آقامحمدخان حصار اول را دور تهران، روستایی کنار جاده کاروان‌روی راه ابریشم کشیدند، تا امروزی که تهران کلان‌شهری ۱۴ میلیونی با یک چهارم جمعیت کشور در منطقه شهری تحت نفوذش، اینجا نشسته است، بازار تهران همیشه محل قدرت و تجارت پایتخت کشورمان بوده است.

کانون تصمیم‌گیری اقتصادی نیز هست و دایره نفوذش تنها به آن بلوک شهری بین ۱۵ خرداد تا شوش، خیام تا مصطفی خمینی محدود نمی‌شود.

صدها مغازه در خارج از بازار به آن وصل هستند و کارگاه‌ها و انبارهایش، نه‌فقط تمام محلات تاریخی اطراف، بلکه زیر زمین خود بازار را خورده‌اند.

یک زیرپله بازار میلیاردها می‌ارزد و از خانه‌های قدیمی و زیبای آن مانند خانه امین‌لشگر و خانه حاج حسین آقای ملک هم به‌زودی دیگر اثری برجای نخواهد ماند.

از سوی دیگر همین بازار نمادین شهرمان ثبت میراث ملی ماست و حیف‌مان می‌آید به‌خاطر کسانی که به ارزش‌های میراثی شهر اهمیت نمی‌دهند، این‌طور سریع بعد از ۲۵۰ سال زندگی باشکوه و پرخاطره، به دلیل ندانم‌کاری و سودجویی عده‌ای قلیل و ناگاه، از بین برداشته و نابود شود.

چندی پیش رسانه‌ها پای غوغای کشف تونل‌های کیلومتری غیرمجاز در زیرزمین بازار تهران را به میان کشیدند.

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

۱- در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه با

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نوراقتی بر اندیشه‌ها انداخت و فهماند شعاع حقوق بشرخواهی غربی، زینت‌بخش نطق بی‌روح محافل قدرت‌پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود؛ مشکل اصلی با حقوق بشر است. قدرت‌پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲- غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است.

این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و بین‌الملل دست‌مایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرت‌های زورگو باشد.

۳- سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی- نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضائی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت‌هاست.

همکاری‌نکردن عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قدرلری قدرت‌ها به نفع سیاسی‌کاری‌های پسند خودشان است.

در سطح سیاسی- دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای همکاری‌نکردن با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی گزارشگران ویژه سازمان ملل، ازجمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و همدستان او است.

۴- یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی در جنگ ۱۹۰۲ره تحمیلی به ایران عزیز، به‌صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار

یادداشت

داستان‌های پیچیده بازار تهران

بازار تهران قلب تپنده شهرمان و قدیمی‌ترین محله تهران است.